



## سروه فیلم و سریال تلویزیون

# ای‌تی‌وی بلدا

سیدنگان که در یک دهه‌ی گذشته امکان و فرصت همکاری

ت می‌کنیم این غافلگیری توامان باناراحتی رادر صحبت‌ها شبیکه‌ی سه تا این اندازه پر از ناراحتی است جواب مشخصی تولیدشده و کیفیت آن‌ها می توان به‌راحتی به آن پی برد. ت می‌کنند: «آگاهی، ذوق، حمایت، تعامل». در این پرونده، مدیریت گروه فیلم و سریال شبیکه‌ی سه صحبت کرده‌ایم. اثبات‌ترین مدیران خود را اثبات کند.

مختلف همین بحث نبود پول در تلویزیون است اما شبیکه‌ی سه تحت مدیریتتخشید همچنان سریال‌هایش را با حضور بهترین‌ها ساخته و جدا از نتیجه‌ی به دست آمده، نفس همکاری آدم‌های سرشناس با تلویزیون آن هم

در دورانی که همه وضعیت تلویزیون را می‌دانیم کار مهمی است که مدیری با ۱۵ سال سابقه مثل تخشید به‌خوبی از عهده‌ی انجام آن بر آمده است.

**بر کناری به کدام علت؟!**

قبل از بررسی تحلیل‌های پس از برکناری تخشید، گفتن این نکته لازم و ضروری است که تعویض مدیران زیر مجموعه حق مسلم مدیر یک مجموعه است، پس اینکه کاری غیرقانونی یا خلاف انجام شده منتفی است و این حق تعویض نه تنها حق بلکه گاهی وظیفه‌ی مدیران ارشد یک مجموعه است اما بحث بر سر این است که چرا مدیری با قابلیت‌های تخشید آن هم در حالی که هنوز کارنامه‌اش قابل قبول است باید بر کنار شود. پس علت برکناری تخشید می‌تواند مهم و موردانتقاد باشد نه ذات تعویض او. تحلیل‌ها می‌گوید برکناری تخشید به دلیل مسائل حاشیه‌ای پیش آمده درخصوص سریال «سرزمین کهن» است. البته بعضی حرف‌های درگوشی هم شنیده می‌شود مبنی بر اینکه رفتن تخشید ربطی به دیروز و امروز نداشته و فقط بهانه‌ای بوده است. در خصوص گمانه‌زنی دوم نمی‌توان حرفی زد چون سند و مدرکی دال بر اثبات این موضوع وجود ندارد. اما اینکه برکناری تخشید به علت حاشیه‌های ایجاد شده برای سریال «سرزمین کهن» باشد هم عملی خطا و کاملا اشتباه است. دلایلش هم این است با اینکه پیش‌تولید و تولید سریال «سرزمین کهن» از هفت سال پیش تحت‌نظر محمودرضا تخشید و در گروه فیلم و سریال شبیکه‌ی سه آغاز شد اما از سه سال پیش همه‌ی مسائل و اتفاقات مربوط به این سریال از مدیریت و نظارت شبیکه‌ی سه خارج و مستقیما تحت نظارت سیمیا قرار گرفت. اداره‌ی کل نمایش سیما که در زیرمجموعه‌اش بر سریال‌های الف و یژه تلویزیون هم نظارت



تالان تنها دو بار فرصت همکاری با شبیکه‌ی سه را داشته‌ام:تویت اول سال ۷۶ بود. آن زمان آقای صافی مدیرشبیکه و آقای میرمیران مدیر گروه فیلم و سریال بودند که هر دو در آن سال‌ها خیلی خوب کار می‌کردند. ولی به‌دلیلی که نمی‌دانم، کنار رفتند یا کنار گذاشته شدند. آن هم با کوله‌باری از تجربه و موفقیت. ویزگی مهم آنها این بود که در مدیریت‌شان، هم حساسیت‌ها و خط قرمزهای تلویزیون رادر نظر می‌گرفتند و هم به انداز‌های به‌سمت استفاده از ممیزی و اصلاحات می‌رفتند که باعث نشود کارگردان‌ها عطای کار در تلویزیون را به لقایش ببخشند. همین نوع روحیه را سال‌ها بعد زمان ساخت «زمانه» در آقای تخشید دیدم. او مدیری بود که عمیقا به هنرمندان تلویزیون احترام می‌گذاشت. درک درستی راجعبه درام و قصه‌پردازی داشت و بافوت‌وفن‌های یک‌اثر دراماتیک کاملا آشنا بود. در تجربه‌ی کار با آقای تخشید حس کردم او تمام تلاشش را می‌کند تا جایی که امکان دارد کار به‌طور کامل و با کمترین ممیزی روی آنتن برود. او نه از موضع یک مدیر بلکه به‌عنوان یک همکار، همراه او با قابل اعتماد خط قرمزهای

تعرف‌شده در تلویزیون را دانشا به تهیه‌کننده‌ها گوشزد می‌کرد تا آنها و کارگردان‌ها این محدودیت‌ها را رعایت کنند و مراقب باشند که مشکلی برایشان پیش نیاید. متناسف‌ا از این اتفاق اما تعجب نمی‌کنم، چرا که اگر تاریخ فعالیت‌های اجتماعی صدسال اخیر در ایران رانگاه کنید می‌بینید چه در حوزه‌های فرهنگی و چه در حوزه‌های غیرفهنگی کم نبوده‌اند مدبرانی که در اوج شایستگی و وابستگی و در بلوغ

کاردانی و لیاقت یاز حوزه‌ی کاری خود کنار رفته‌اند یا کنار گذاشته شده‌اند. این خصیصه‌ی آزاردهنده‌ی تاریخ اجتماعی ماست که خیلی تازر آور است و باعث شده بار‌ها در مقاطع مختلف از نعمت وجودمدیران و کارشناسان کاربلد محروم شویم. اینجا هم نمی‌دانم دلیل این اتفاق چه بوده‌اما مطمئن‌م برکناری آقای تخشید به نفع هیچکدام از دو طرف ماجرا نیست. نه به نفع صداوسیما که مدیری با تجربه‌به‌های گرانقدر را از دست می‌دهد و نه به نفع هنرمندانی که همیشه دنبال کار با مدیری باسواد در حوزه‌ی کاری خود می‌گردند. مدیری که فقط کارش این نباشد که پشت میز بنشیند و بگوید نمی‌شود، دربیارید یا کم کنید. مدیری که با تمام وجود کمک می‌کند خواسته‌های هر دو طرف تحقق پیدا کند و آقای تخشیدی شک یکی از همین مدیران بود.

## کمال تبریزی کارگردان



وقتی خبر برکناری آقای تخشید را شنیدم، خیلی ناراحت شدم. چون ایشان از جمله مدیران توانمند و با سابقه‌ی تلویزیون هستند که به دلیل حسن‌نیت‌شان هنرمندان و فیلمسازان با ایشان راحت کار می‌کردند. البته من هنوز با ایشان صحبت نکردم و نمی‌دانم علت برکناری ایشان چه بوده. ولی اگر دلیل آن اعتراضات به «سرزمین کهن» بوده، باید بگویم این کار ناجوانمردانه و غیر منصفانه است؛ چون مسئولیتی متوجه ایشان نیست. در حالی که افراد دیگری که در این مورد ار تباط مستقیم داشتند، سرکارشان هستند. از اینکه مسئولان ایشان را بر کنار کردند جای تاسف دارد. (در گفت‌وگو با روزنامه‌شرق)

## جواد افشار کارگردان

رفتن چنین مدیری از تلویزیون باعث افسوس می‌شود، چون انصافا مدیری مدبر، لایق و کار بلدی بودند که با حضور شان در این چند سال توانستند در ساخت کارهای بسیار خوبی کمک کنند. من در کار «مادرانه» به‌طور مستقیم توفیق همکاری با آقای تخشید را داشتم و «جابر ابن حیان» را هم که در ماه رمضان پخش شد به‌طور غیر مستقیم با همکاری ایشان جلو بردیم. انصافا در بخش ممیزی سعی می‌کردند تمام جوانب را لحاظ کنند و هم سیاست‌های سزازمان و هم سیاست‌های کیفی کار را رعایت می‌کردند. به‌شدت از حقوق کیفی و معنوی کارها دفاع می‌کردند، اما اگر در برخی از قسمت‌ها مجبور به اعمال ممیزی می‌شدند، تعاملی را به وجود می‌آوردند که سازنده بود. دلگرمی که آقای تخشید در خصوص کیفیت کار‌ها به تیسم تولید می‌دادند، تحمل مشکلات مادی را برای ما آسان‌تر می‌کرد. وقتی می‌بینیم که مدبری پای یک خروچی درست می‌ایستد، تا اندازه‌ی زیادی آرام می‌شویم، ولی اگر کار در جهی ۳ و ضعیفی تولید شود و پول هم نباشد، هیچ چیز برای ما نمی‌ماند. آقای تخشید همیشه این حس را به وجود می‌آوردند که از کاری که انجام می‌دهیم لذت ببریم. من با مدیران زیادی در این سال‌ها کار کرده‌ام، اما بر یزبینی که ایشان روی آثار ساخته‌شده داشتند منحصر به خودشان بود. راش‌ها و پشت‌صحنه‌ها را می‌گرفتند، و اگر موردی بود ریز به ریز به ما می‌گفتند و این باعث دلگرمی ما می‌شد.



سید نعمت‌الله نویسنده وقتی با مدیری کار کنسی و هیچ وقت عبارت «من» و «باید» را از زبان‌اش نشنیده باشی، رفتنش از آن پست، خبری تلخ و ناگوار است برای تو… رفتن مدبری با پانزده سال سابقه‌ی فرهنگی… آقای تخشید! لطفا در همین حوالی تشریف داشته باشید. به امید دیدار مجدد در دفتر ساده و همیشگی شما.

## سعید نعمت‌الله نویسنده

می‌کند کاملا مستقل است و هیچ ارتباطی با مدیریت شبکه‌ها ندارد. به این معنی که شبیکه‌ای مثل شبیکه‌ی سه فقط مامور (نه ناظر) است سریالی مثل «سرزمین کهن» را پخش کند. تمام اتفاقات اعم از بازرینی، ممیزی‌ها و اعمال اصلاحات در سریال‌های الف و یژه‌ای که تحت نظارت مستقیم همین اداره‌ی کل انجام می‌شود در کمیته‌ای هفت‌نفره و کاملا مستقل می‌باشد. یعنی حتی مسئول پخش شبیکه‌ی سه را هم نمی‌توان در این مورد موردتخطئه یا مجازات احتمالی قرار داد، چه برسد به مدیر گروه فیلم و سریال شبیکه‌ی سه که از ۳سال پیش هیچ نقشی در این پروژه نداشته است. به همین دلیل هم به هیچ عنوان نمی‌توان و نباید اتفاقات حاشیه‌ای پیش آمده درخصوص «سرزمین کهن» را به پای مدیریت تخشید نوشت و برای آن‌ا و را بر کنار کرد. برکناری تخشید اگر به علت حاشیه‌های این سریال باشد می‌شود مصداق بارز ضرب‌المثل معروف «هفته کرد در بلخ آنگری به شوشتر دزدگردن مسگری» باشد. حالا باین تفاسیر، این مسوال در ذهن همه ایجاد می‌شود که واقعا علت اصلی برکناری ناگهانی محمودرضا تخشید با این سابقه‌ی موفق چه بوده است؟ مدیری که چهره‌های سرشناس تلویزیون نه تنها از کار کردن با او ناراضی نیستند بلکه بسیاری از موفقیت‌های خود را به حساب مدیریت و تعامل سازنده‌ی تخشید با گروه‌های سازنده‌ی آثار تلویزیونی می‌دانند چرا باید این قدر مهجور وی دلیل بر کنار شود؟اصلا با توجه به رقبث شدید تلویزیون باشبیکه‌های ماهوار‌های بر سر جذب مخاطب که آمارها نشان می‌دهد هر روز تلویزیون در این عرصه عقب‌تر رانده می‌شود، حذف مدیر باتجربه و موردثوقی مثل تخشید چه توجیه عقلانی قابل‌قبولی دارد؟ آن هم زمانی که عزت‌الله ضرغامی رئیس سازمان صداوسیما اعتراف می‌کند سخت‌ترین کار در تلویزیون، پیدا کردن مدیری لایق و جامع برای گروه فیلم و سریال در شبیکه‌های مختلف است. باید دید مدیران ارشد تلویزیون برای توجیه افکار عمومی و فعالان عرصه‌ی سریال‌سازی در شبیکه‌ی سه آیا دلیل و توجیه منطقی و قابل‌قبولی برای این برکناری ارائه خواهند داد که اگر داشته باشند حرف و سخنی باقی نمی‌ماند.

### حسن فتحی کارگردان

تالان تنها دو بار فرصت همکاری با شبیکه‌ی سه را داشته‌ام:تویت اول سال ۷۶ بود. آن زمان آقای صافی مدیرشبیکه و آقای میرمیران مدیر گروه فیلم و سریال بودند که هر دو در آن سال‌ها خیلی خوب کار می‌کردند. ولی به‌دلیلی که نمی‌دانم، کنار رفتند یا کنار گذاشته شدند. آن هم با کوله‌باری از تجربه و موفقیت. ویزگی مهم آنها این بود که در مدیریت‌شان، هم حساسیت‌ها و خط قرمزهای تلویزیون رادر نظر می‌گرفتند و هم به انداز‌های به‌سمت استفاده از ممیزی و اصلاحات می‌رفتند که باعث نشود کارگردان‌ها عطای کار در تلویزیون را به لقایش ببخشند. همین نوع روحیه را سال‌ها بعد زمان ساخت «زمانه» در آقای تخشید دیدم. او مدیری بود که عمیقا به هنرمندان تلویزیون احترام می‌گذاشت. درک درستی راجعبه درام و قصه‌پردازی داشت و بافوت‌وفن‌های یک‌اثر دراماتیک کاملا آشنا بود. در تجربه‌ی کار با آقای تخشید حس کردم او تمام تلاشش را می‌کند تا جایی که امکان دارد کار به‌طور کامل و با کمترین ممیزی روی آنتن برود. او نه از موضع یک مدیر بلکه به‌عنوان یک همکار، همراه او با قابل اعتماد خط قرمزهای

تعرف‌شده در تلویزیون را دانشا به تهیه‌کننده‌ها گوشزد می‌کرد تا آنها و کارگردان‌ها این محدودیت‌ها را رعایت کنند و مراقب باشند که مشکلی برایشان پیش نیاید. متناسف‌ا از این اتفاق اما تعجب نمی‌کنم، چرا که اگر تاریخ فعالیت‌های اجتماعی صدسال اخیر در ایران رانگاه کنید می‌بینید چه در حوزه‌های فرهنگی و چه در حوزه‌های غیرفهنگی کم نبوده‌اند مدبرانی که در اوج شایستگی و وابستگی و در بلوغ

کاردانی و لیاقت یاز حوزه‌ی کاری خود کنار رفته‌اند یا کنار گذاشته شده‌اند. این خصیصه‌ی آزاردهنده‌ی تاریخ اجتماعی ماست که خیلی تازر آور است و باعث شده بار‌ها در مقاطع مختلف از نعمت وجودمدیران و کارشناسان کاربلد محروم شویم. اینجا هم نمی‌دانم دلیل این اتفاق چه بوده‌اما مطمئن‌م برکناری آقای تخشید به نفع هیچکدام از دو طرف ماجرا نیست. نه به نفع صداوسیما که مدیری با تجربه‌به‌های گرانقدر را از دست می‌دهد و نه به نفع هنرمندانی که همیشه دنبال کار با مدیری باسواد در حوزه‌ی کاری خود می‌گردند. مدیری که فقط کارش این نباشد که پشت میز بنشیند و بگوید نمی‌شود، دربیارید یا کم کنید. مدیری که با تمام وجود کمک می‌کند خواسته‌های هر دو طرف تحقق پیدا کند و آقای تخشیدی شک یکی از همین مدیران بود.

### محمد مسعود تهیه‌کننده

من از شروع «معصومیت از دست رفته» تا امروز با ایشان کار کرده‌ام و به نظر من، بهترین ویزگی ایشان به عنوان یک مدیر دلسوز بودن برای کاری است که آن را انتخاب کرده و از صفر تا صد کار هم پشت آن می‌ایستد. یعنی اگر کار با مشکلی روبه‌رو شود، آقای تخشید مثل کوه پشت آن ایستاده است، به هیچ عنوان هم در کارش عقب‌نشینی نمی‌کند. یا برای شروع یک کار با ایشان نمی‌گوید یا اگر بگوید پشت آن به‌خوبی می‌ایستد. سر پروژه‌ی «سرزمین کهن» هم کمک بسیار زیادی می‌کرد و ایشان هم همیشه حامی ما بودند. وقتی هم این خبر را به من و آقای تبریزی دادند، واقعا متاثر شدیم. کار ما خیلی پر در دسر است، چه از نوشتار متن و چه از پس‌تولیدی که برای آن انجام می‌شود بسیار پیچیده و مشکل است و کسی هم که حامی ماست، مدیر مربوطه‌ای است که ما به‌طور مستقیم با آن در ار تباط هستیم. برای مثال لوکیشن «قدس الملوک» زیر نظر وزارت بهداشت بود و ما نمی‌توانستیم از آن استفاده کنیم، ولی آقایان تخشید و پورمحمدی ارتباطی برای این کار صورت دادند که ما بتوانیم مستقیما با وزیر بهداشت وقت(آقای لنکرانی) صحبت کنیم و آن لوکیشن را از آن‌ها بگیریم. چون «سرزمین کهن» اولین کار (الف و یژه) شبیکه‌ی ۳ بود، انتظار داشت که کار آبرومندی روی آنتن برود. اگر بخواهم حرفی به دور از کلیشه‌به‌ایشان بزنم این است که آقای تخشید:با اینکه شماره‌تیس هستید و مرتوس ماهستید اما من شخصا شماره‌ایه خاطر نوع مدیریت‌تان خیلی دوست دارم. چون در سازمان کار می‌کنم خیلی مدیر دیدم اما به‌واقع در بخش تولید، اشخاصی مثل آقایان پورمحمدی و تخشید نیده‌ام. مشکل تمام مدیران این بود که به ما تهیه‌کنندگان به عنوان یک انسان فرهنگی و کسی که دغدغه‌ی هنری دارد، نگاه نمی‌کنند.

## علیرضا بذرافشان نویسنده و کارگردان



می‌توان از دووجه رفتن آقای تخشید نگاه کرد؛ یکی بخش عاطفی و انسانی قضیه است، وجوه انسانی و شخصیت‌مترقی آقای تخشید روی ما خیلی تاثیر گذاشته بود و ارتباط عاطفی خیلی خوبی با ایشان برقرار کرده بودیم، بنابراین اینکه نتوانیم با ایشان کار کنیم بر ایمان خیلی سخت است. اما وجه دیگری که برای من خیلی مهم است بی‌ربط با حرف آقای ضرغامی در اختتامیه‌ی جشنواره‌ی جام جم نیست. آقای ضرغامی راست می‌گویند تعدادی از مدیران در صداوسیما جایگزین ندارند، از جمله مدیریت گروه فیلم و سریال. من به‌این معتقدم که مدیریت فیلم و سریال تخصصی‌ترین مدیریت‌ت در تلویزیون است. کار پیچیده‌ای است که لازمه‌اش، داشتن اطلاعات و دانش دقیق است و آقای تخشید دقیقا مدیری بااطلاع و دانش کافی بود. به یاد دارم وقتی آقای میرمیران از شبیکه‌ی یک رفت، مدت‌ها کسی نبود که جایگزینشان شود. آقای فرجی هم وقتی به مدیریت شبکه‌ی یک ارتقا پیدا کرد، مدت‌ها خودش مدیریت گروه فیلم و سریال شبیکه‌ی یک را به عهده گرفته بود. در طول این سال‌ها هزینه‌های زیادی شده است که ایشان به یک مدیر تخصصی در این زمینه تبدیل شده و به نظر من، حیف است که ایشان بروند. آقای تخشید از همان اول کار که ما طرح را می‌بردییم تا انتها کار‌های ما را رهبری می‌کردند، راش‌ها را می‌دیدند و ایرادات ما را می‌گرفتند که انصافا اکثر ایراد‌ها هم بچا بود. جدا از اشراف کاملی که روی مقوله‌ی فیلم و سریال داشتند، جسارتی که آقای تخشید در طرح موضوعاتی که جامعه به آن نیاز دارد آن هم در تلویزیونی که سختگیری‌هایش ژانرد خاص و عام است خیلی جالب بود. در دوران مدیریت ایشان، «دوران سرکنشی» ساخته می‌شود که اتفاق خیلی مهمی است و مهم‌تر اینکه همیشه پشت‌سر یال‌هایش می‌ایستاد و از آن‌ها در مقابل همه‌ی حاشیه‌دفاع می‌کرد. اگر دلیل بر کناری ایشان، حاشیه‌های سریال «سرزمین کهن» باشد اصلا دلیل کافی برای برکناری یک مدیر نیست. با اینکه من خیلی به‌مسئله‌ی احترام به قومیت‌ها معتقدم اما به نظرم این اشتباه نباید باعث شود مدیری با این خدمات درخشان از کار بر کنار شود. فکر نمی‌کنم که این یک حرکت منطقی باشد.

## داود هاشمی تهیه‌کننده



آقای تخشید یک مدیر کاربلد بود که اشراف خوبی روی فیلمنامه داشت. در حالی که بیشتر مدیرها فقط می‌خواهند ادای فیلمنامه همیدن را در بیآورند ولی او واقعا درک خوب و جامعی از فیلمنامه داشت. در بیشتر جلساتی که پیرامون فیلمنامه با ایشان می‌گذاشتیم، به نکته‌های در ست و دقیقی اشساره می‌کردند که به ذهن خود ما که در دوران کار بودیم، نمی‌رسید. در هر حله‌ی متفاوتی که فیلم و سریال ما اصلاحاتی می‌خورد اگر با استدلال درستی آن اصلاحات را رد می‌کردیم، تخشید از ما دفاع می‌کرد و پشت کار می‌ایستاد. ما با مدبران زیادی کار کرده‌ایم، اما ایشان واقعا زبان هنرمند، کارگردان و نویسنده را متوجه می‌شد و چون حرف‌های منطقی می‌زد، همه‌ی آن را می‌پذیرفتند. حتی علیرضا افخمی که به ذات ممیزی ایراد وارد می‌کند، وقتی آقای تخشید می‌گفت فلان دیالوگ این شکلی باشد بهتر است، قبول می‌کرد، چون می‌دانست که حرف و خواسته‌اش منطقی است. وقتی مدیری با ۱۵ سال سابقه، این تعداد سریال پرمخاطب را می‌سازد، نشان دهنده‌ی تدبیر و کاربلدی اوست. اینکه هر سال سریال‌های زبردست این مدیر در بین مخاطبان اول می‌شود، شخصیت بود و گرنه چرا سریال‌های سایر شبکه‌ها در اکثر تبه‌بندی‌ها و نظرسنجی‌ها رتبه‌ی اول نمی‌شدند؟ همه‌ی مردم می‌دانند که فیلم و سریال شبیکه‌ی ۳ بهترین و سر بلندترین کار‌ها را در قیاس با سایر شبکه‌ها داشته است، چون آقای تخشید، فریم‌به فریم کار‌ها و حتی راش‌های آن‌ها را می‌دید و نظرهایی هم که در خصوص جنبه‌های مختلف کار می‌داد کاملانی بود. تلویزیون نباید به همین راحتی مدیرانی مثل آقایان تخشید یا سیدمجید میرمیران راز دست بدهد، حتی تصور اینکه تلویزیون به این راحتی افرادی با این تجربه‌ی گرانقیمت را کنار می‌گذارد، برای من سخت است. ولی برای خود آقای تخشید خیلی خوب شد، چون فشاری که در این چند سال و بالخصوص در ماه‌های رمضان و نوروز بر او می‌آمد، دیگر نیست و می‌تواند بعد از چندین سال نفس راحتی بکشد.

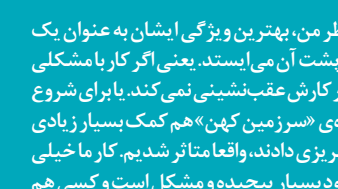
## علیرضا افخمی کارگردان



هنرمندان و کسانی که کارهای هنری انجام می‌دهند از دوزاویه نسبت‌به آقای تخشید شناخت دارند؛ یک زاویه همان است که ماهه‌ی مردم ببینندگان تلویزیون هم نسبت به این مدیر دارند که شناخت نسبت‌ا درستی است و برمی‌گردد به آثاری که در زمان مدیریتتشان تولیدشده است. آثار تولیدشده در طول این سال‌ها در بین بینندگان شناخت درستی از نحوه‌ی مدیریت این آدم ایجاد می‌کند. اگر از نگاه بینندگان و تماشاچیان تلویزیون کارنامه‌ی آقای تخشید رانگاه کنیم، به‌ندرت کار پدر برآورده‌ی کاری او پیدامی‌کنیم، ولی آثار بسیار خوب، دیدنی و پرمخاطب تا دلمان بخواد در کارنامه‌ی کاری او موجود است. زاینه‌ی دیگر به شناخت ما و همه‌ی کسانی که بر نظر آقای تخشیدسر یال یا فیلم ساخته‌ایم، برمی‌گردد که خیلی شبکلی است. دقیق‌تر و عمیق‌تری است. علت اینکه ما بابت این تغییر افسوس می‌خوریم، همین شناخت دقیق و عمیقی است که ما از آقای تخشید و نحوه‌ی مدیریتشان داریم. میزان تسلط و اشراف این آدم بر مسائل هنری و همه‌ی مقوله‌هایی که در زمینه‌ی سریال‌سازی از فیلمنامه‌نویسی تا اجرا یا تدوین و موسیقی وجود داشت بسیار زیاد بود. معنی اشراف داشتن این نیست که او یک نویسنده، تدوینگر یا موسیقیدان بوده است، یعنی وقتی راجع به این چیز‌ها با ما حرف می‌زد، اصلا این احساس را نداشتیم که آدمی با ما حرف می‌زند که این مقوله را نمی‌شناسد. اطلاع کافی ندارد یا فرد بدسلیقه‌ای در این زمینه‌هاست. برعکس هر وقت ما با ایشان کار کردیم، احساس می‌کردیم که او می‌تواند مشاوری کاربلد و خوش سلیقه در تمام این زمینه‌ها برای تیم تولید ما باشد. آخرین کاری که با آقای تخشید به‌طور جدی انجام دادم، سریال «خداحافظیچه» بود. وقتی آقای ابوالحسنی، فیلمنامه‌ی کار را تحت نظارت بنده و آقای میرمیران نوشتند، مطابق عرف معمول برای آقای تخشید می‌فرستادند تا بخوانند ولی ایشان درگیر مسائل زیادی بود و گفت شما و آقای میرمیران که می‌خواوبد انگار من خوانده‌ام پس مشکلی نیست، اما من گفتم که نمی‌خواهم شما مسائل ممیزی را به من بگویید، آن‌ها را به عهده‌ی ما بگذارید، اصرار من به خواندن شما برای این است که مشورت‌های دراماتیک به ما بدهید و واقعا آقای تخشید این توانایی و ذوق را داشت. این توانایی هم حاصل تجارب سال‌های متعددی بود که از جایگاه‌های مدیریتی متفاوتش در صدا و سیما به‌دست آورده بود. این سال‌ها تجربه‌ی گرانبهایی را برای او به جای گذاشته بود که برای ما بسیار مغتنم بود. بسیار حیرت‌زده‌ام چون در این سه، چهار سال اخیر با اینکه تغییرات عجیب چند باری مواجه شدیم، مدیران بسیار خوش‌ذوق، سالم و بی‌غرزش تغییر می‌کنند. پذیرا نیستیم. آقای تخشید به‌خاطر سریال «سرزمین کهن» بر کنار شده بر ایم سخت‌است چون هم‌اادلی دیگری پشت این قضیه است. به نظر من، تلویزیون آقای تخشید را از دست داد، مثل آقایان میرمیران و پورمحمدی. این‌ها کسانی هستند که نوعی تعاملات سازنده را با هنرمندان برقرار کردند که کار آسانی هم نیست. چون نیاز به خصوصیات اخلاقی ویژه و توانایی‌های حرف‌های دارد که به‌ندرت در یک نفر جمع می‌شود. برای همین ما احساس می‌کنیم که تلویزیون یک نیروی ذی‌قیمتی را از دست داده و به جز افسوس چیزی شامل حال ما نمی‌شود. من کلا دوست داشتم آقای تخشید به شکل مستقل وارد عرصه‌ی تولید و کار هنری شود، چون به نظرم قطعا این لیاقت، استعداد و ذوق را دارد. از این جهت شاید برای آقای تخشید این برکناری حکایت «عدو شود سبب خیر» باشد و گرنه قطعا برای جامعه‌ی هنری تلویزیون یک خسران بزرگی است.



شبیه/ ۱۷ اسفند۱۳۹۹ ۳۷ شماره‌ی



زینت و تزیینات و یونسفای

زینت و تزیینات و یونسفای



زینت و تزیینات و یونسفای

زینت و تزیینات و یونسفای

زینت و تزیینات و یونسفای

زینت و تزیینات و یونسفای

زینت و تزیینات و یونسفای

زینت و تزیینات و یونسفای

زینت و تزیینات و یونسفای

زینت و تزیینات و یونسفای

زینت و تزیینات و یونسفای

زینت و تزیینات و یونسفای